آینه

تیتریک: «مه‌آفرید خسروی اعدام شد: تکلیف دولتی‌ها چه می‌شود»

اعـدام مه‌آفرید اگرچه تا حدی امیدواری به عزم مبارزه با مفاسد اقتصادی را افزایش می‌دهد اما روشن است که انتظارات مردم را به‌کلی برآورده نکرده است. احمد بشیری، کارشناس مسـایل حقوقی با بیان اینکه قوه‌قضاییـه باید در این پرونده خیلی مهم شفاف‌تر عمل می‌کرد، به «جهان‌صنعت» گفت: از ابتدای کار در این موضوع ابهاماتی وجود داشت که در نهایت نیز رفع نشد. وی با اشاره به اینکه اول چند اسم مثل مه‌آفرید بردند و به تازگی خبر از بازجویی عده‌ای می‌دهند، اظهار کرد: به نظر من از نظر قضایی روال این پرونده محل بحث اسـت زیرا یک پرونده قضایی باید یک‌بار بررسـی شود و یک‌بار هم حکم‌های صادرشده اجرا شود اما در این موضوع می‌بینیم هنوز حکـم عده‌ای صادر نشـده در حالی که حکم یک متهم اجرا شده... مسایل قضایی می‌گوید که این پرونده به درستی بررسی نشده است و نه تنها مردم را قانع نکرد بلکه حساسیت بیشتری را نیز ایجاد کرد. بشیری پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و چگونگی بررسی آن را مثال زد و گفت: آنجا نیز همین‌طور عمل شد. به گفته وی، مساله مهم‌تر این است که اعدام مه‌آفرید چه اثری دارد؟ آیا این پایان ماجرای تخلف‌های شـبیه این است؟ این کارشناس مسایل حقوقی خاطرنشان کرد: قوه‌قضاییه با این پرونده به‌شدت زیر سوال می‌رود مگر آنکه جزییات بیشتری از تحقیقات و بررسی‌های خود را منتشر کند که این نیز بعید به نظر می‌رسد.

سرمقاله: «ما هم نگران و دلواپسیم»؛ علی جنتی

چندی پیش جمعی... مراتب دلواپسـی خود را نسبت به مذاکرات ژنو درخصوص برنامه هسـته‌ای ایران ابراز داشـتند بدون توجه به این واقعیت که تمامی این مذاکرات با رخصت و هماهنگـی مقامـات عالی نظـام صورت گرفتـه و هیات مذاکره‌کننده نیز بارها بر ایستادگی بر مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران تاکید کرده... ما نیز نگرانیم که برخی از بزرگان و اهل نظر بدون تحقیق و بررسی در مورد اخبار و گزارش‌هایی که توسـط برخی از جریانات سیاسی به منظور بیرون راندن رقبای خود از صحنه سـاخته و پرداخته می‌شود آن را مورد پذیرش قرار داده و براسـاس آن قضاوت می‌کننـد... ما نگران گسـترش اعتیاد و فروپاشی هزاران خانواده‌ای هستیم که به این بلای خانمانسوز دچار شده‌اند... ما نگران ادامه تحریم‌های ظالمانه غرب بر ملت ایران هستیم که توسعه اقتصادی کشور و معیشـت میلیون‌ها خانواده ایرانی را تحت تاثیر قرار داده و هزینه‌های سرسـام‌آوری را بر کشـور تحمیل کرده است. ما نگران تخریب سازمان‌یافته دولت خدمتگزار و برخاسته از آرای مردم‌هستیم.

سـرمقاله: «کدام دولت بر سـر کار است؟»؛ فضل‌الله یاری

وقتی در یک روز در شهری مانند بوشهر همایش مخالفان دولت به راحتی برگزار می‌شود و هواداران دولتی که بر سر کار است، نه در آن شـهر و نه در شهرهای دیگری چون یاسوج، اصفهان، شیراز و مشـهد، امکان برگزاری همایشی مشابه را ندارند، سوالات بسیاری به ذهن متبادر می‌شود. نخست اینکه کدام دولت بر سر کار است؟ آیا وضعیت مانند چهارساله دوم دولت احمدی‌نژاد اسـت که فقط گروه‌های زیرمجموع جناح حامی دولـت در همه فضاهای عمومی همایش و جلسـه و سخنرانی برگزار می‌کردند. درحالی‌که گروه‌های جناح مقابلِ دولت، به‌خصوص اصلاح‌طلبان، حتی در برگزاری جلسات در داخـل منازل خود نیز با ممانعت‌های عجیب و غریب روبه‌رو می‌شـدند. این وضعیت هر انسـان ناآگاهی را به این اشتباه می‌انـدازد که نکند در ۲۴ خرداد ۹۲ یکی از نامزدهای مدافع وضع دولت احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری رسیده است.

«مدیرمسوول کیهان: دولت‌ها اتاق فرمان نظام نیستند تحت‌فرمان نظامند»

حسین شریعتمداری مدیرمسوول کیهان که صبح جمعه در اجتماع نخبگان فرهنگی و سیاسی استان خراسان با عنوان «همایش اصحاب حق» حضور یافته بود... گفت: ... کسانی که شرایط کنونی را «بحرانی» معرفی می‌کنند، یا بحران ندیده‌اند یا از شاخصه‌های بحران بی‌خبرند و البته بعید نیست که شماری از آنان هم زبان دشمنان را به کام گرفته باشند! ... دولت مانند دو قوه دیگر قضاییه و مقننه، بخشـی از نظام اسـت که باید ماموریت خود را در چارچوبی که قانون اساسی برای آن تعریف کرده است به انجام برسـاند بنابراین دولت تحت‌فرمان نظام است نه اتاق فرمان نظام که بخواهد یا بتواند سیاست‌های کلی و کلان نظام را مطابق سلیقه خود تغییر بدهد.

یادداشت: «تقابل ۱۷ساله دوم خرداد با گفتمان انقلاب اسلامی»؛ محمد اسماعیلی

روز گذشـته تمـام رسـانه‌های وابسـته بـه طیـف تجدیدنظرطلبان، مهم‌ترین مطالب صفحات خبری خود را به بزرگداشت دوم خرداد سال ۷۶ اختصاص داده بودند... هدف راهبردی تجدیدنظرطلبان در طول سال‌های حاکمیت‌شان و پس از آن تا به امروز، «براندازی نظام اسـلامی » بوده که با استراتژی‌های بسیاری نظیر فتح سنگربه‌سنگر، حاکمیت دوگانه، فشار از پایین چانه‌زنی از بالا، نافرمانی مدنی، عبور از خاتمی، تساهل و تسامح در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی، انسـداد سیاسـی، بازدارندگی فعال، خـروج از حاکمیت، همه‌پرسی و حمله به نهادهای انتخابی و انتصابی پیاده‌سازی می‌شـد. غائله ۱۸ تیر ۷۸ به‌عنوان نمونه بارز غوغاسالاری و هنجارشکنی در طول آن سال‌ها به شمار می‌آید که بخشی از آن بـا تنزل جایگاه مجلس از نهاد قانونگذاری کشـور به تریبون یک جریان سیاسـی و جنجال‌سـازی روزنامه‌های زنجیره‌ای مقدمه‌سازی شده بود.

محسن صفایی‌فراهانی در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت را با ثروت رانتی تخریب می کنند

امروز کار به مراتب سخت‌تر از سال ۷۶ است

مهسا جزینی

هم شکسته‌تر شده و هم لاغرتر. به‌جز همان صراحت‌لهجه همیشگی، کمتر شباهتی به دوران نمایندگی‌اش در مجلس و ریاست بر فدراسیون فوتبال دارد. اگرچه به نظر می‌رسد علاقه‌ای هم به بازگشت به آن دوران ندارد. همین باعث می‌شود این سوال به ذهن برسد که آیا محسن صفایی فراهانی دیگر اعتقادی به فعالیت سیاسی ندارد؟ ابتدای گفت‌وگوی ما تقریبا با پاسـخ او به همین پرسش آغاز می‌شود. گفت‌وگویی که در دفتر کار او در طبقه همکف ساختمانی مسکونی (منزلش) انجام شد، اتاقی پر از کتاب و نشان‌ها و مدال‌ها و تندیس‌های دوران مدیریتش بر فدراسیون فوتبال.

عکس: امیر جدیدی/شرق

گفته می‌شـود حمایت اصلاح‌طلبـان از دولت به گستردگی ابتدای زمان انتخابات نیست. اگرچه شما گفته‌اید که سخنگوی اصلاح‌طلبان نیستید و از نگاه خودتان به‌عنوان یک فرد اصلاح‌طلب قصد دارید درباره دولت صحبت کنید. با این حال به نظر شما اصلاح‌طلبان باید چطور رابطه خود را با دولت فعلی تنظیم کنند؟

اصلاح‌طلبی یک حزب سیاسی نیست؛ یک جریان فکری اسـت که بعـد از جنگ‌های ایـران و روس و شکست ایران، آغاز شده و تا امروز ادامه دارد. یک تفکر و اندیشه است، که ملت از یک‌قرن‌ونیم قبل، جامه آن را به تن کرده و دوران جدیدی از تاریخ این کشـور را رقم زده و به‌حق عظیم‌ترین رویداد این سـرزمین در سده‌های اسلامی است، تاسفبار است که عدم شناخت کافی از اندیشه‌های نو در جامعه سنتی، سرعت توسعه این حرکت را کند کرده اسـت. بدیهی اسـت که در تمامی ادوار گذشـته، اگر دولتی سـر کار آمده که به اندیشـه تجدد التفات داشـته و درجهت منافع ملی حرکت اصلاحی را مورد توجه قرار داده باشـد، به‌طور طبیعی اصلاح‌طلبان از او حمایت می‌کنند و سـنگ جلو پایش نمی‌اندازند. به‌نظر من دولت روحانی حداقل در کلام، در تلاش برای توسـعه این تفکر است، حال در این شرایط باید کمک کرد تا حرف به فعل تبدیل شود. نباید اگر نگران کشور و عقب‌ماندگی‌ها هستیم، کنار بایستیم و نظاره‌گر باشیم.

بحث کاسته‌شـدن از حمایـت البته به معنای سنگ‌اندازی نیست.

فرقـی نمی‌کند وقتی که سـکوت کنید یعنی از کسی‌که سـنگ می‌اندازد، حمایت کرده‌اید. در طول چندسال گذشـته، ندانم‌کاری شـرایطی را بر کشور تحمیل کـرد که بی‌اعتمادی مردم بـه دولت خیلی بیشـتر از گذشـته شـد. در حالی‌که طلایی‌ترین و بهتریـن فرصتی بود کـه به لحـاظ تاریخی نصیب ایران شـده بود. آمریکا در عراق و افغانستان به توفیق نرسیده بود. حرف‌ها و تهدیداتش بیشتر جنبه شعاری داشـت. صدام سقوط کرده بود و یک دشمن بی‌رحم دهه‌های اخیر از بین رفته بود. دولت طالبان در شرق کشور سرنگون شـده بود. کشورهای آسیای‌میانه در حال رشـد بودند و نه‌تنها خطری نداشتند، بلکه یک فرصت بودند. در این شـرایط مناسـب منطقه‌ای، دو فرصت اقتصـادی بزرگ نصیب مردم ایران شـد، به هر علت سیاسـی- اقتصادی، قیمـت نفت یک‌دفعه چهاربرابـر شـد و درآمد ملی ایران یکبـاره از حدود ۳۰میلیارددلار به بیش از ۱۱۵میلیارددلار رسـید و اصلاح اصل ۴۴ قانون‌اساسـی از طریق قانون میسـر شـد. همه اینها را کنارهم بگذارید، اگر در آن شرایط دولت یک رویکرد تعاملی در داخل و خارج داشت، در این ۱۰سال، همه عقب‌ماندگی‌هایی که به علت جنگ یا... بر کشور تحمیل شده بود، جبران می‌شد و ایران صاحب یک جهش بزرگ اقتصادی- اجتماعی می‌شد و یـک رنسـانس اقتصادی اجتماعـی رخ می‌داد که می‌توانست شروع جدیدی باشد برای شانه‌به‌شانه‌شدن با کشورهای رده‌اول در حال توسعه. اما با ندانم‌کاری و فرار از قانون و توسعه رانت‌خواری و فساد، این فرصت بسـیار طلایی از مردم گرفته شـد. دولت یازدهم در شـرایطی با رای بالا انتخاب شد که در اصل، مردم نه به خاطر برنامه‌هایش بلکه برای گفتن یک «نه» بزرگ به عملکـرد دولت قبلی بـه او رای دادند. حال نباید کسانی که با آن نگاه به این دولت رای دادند به حاشیه بروند و ساکت شـوند و منتظر بمانند!! این سکوت و حرف‌نزدن یعنی فرصت‌دادن به کسـانی که در چند سال گذشته از همه بی‌قانونی‌ها به‌خوبی سوءاستفاده کردند و منافعشان ایجاب می‌کند که ثبات و پیشرفتی رخ ندهد. به همین علت هر تفکر اقتصادی و انضباط مالی و تعامل بین‌المللی که به ثبات و رشـد کشـور منجر شـود برای این گـروه حکم سـم دارد و همه تلاشش را می‌کند که نگذارد دولت موفق شود، آنها به ظاهر انتقاد می‌کنند، اما در اصل، تشـنج و بحران در انتقادشان موج می‌زند!! باید دقت کرد آیا امروز انتقاد من نقش سازنده دارد یا تخریبی.

اتفاقـا به نظـر من انتقاد سـازنده هـم حق و هم وظیفـه اصلاح‌طلبان اسـت. اصلاح‌طلبان در واقـع به‌جای اینکه به منتقـدان بدلی مثل همین دلواپسـان فرصت دهنـد در مقـام منتقد حاضر شوند، خودشـان ابتکار عمل را در دست گیرند و در عین حمایت، برای بهبود مسـیر نقد سازنده را هم در پیش گیرند.

مردم دلواپسـان واقعی را می‌شناسند. همین الان انعکاس این نشسـت را در مجلـس اصولگرا ببینید که چقدر مورد توجه واقع شـده؟ اتفاقا وقتی از سـر دلواپسی جدی برای کشـور حرکت نکنید آن حرف خیلی جایی ندارد. من فکر کنم آن بخش تندرو نگران منافع خودش است و نه منافع ملی. نمونه کوچک آن این ۸۲هزارمیلیاردتومانی است که مبلغ زیادی از آن را ۵۰۰نفر استفاده کرده و پس نمی‌دهند.

نقش یا وظیفه دولت در این زمینه چیست؟

همین که فهرسـت آنهـا را در اختیار قوه‌قضاییه گذاشـته است، باید پیگیری کند که به آن رسیدگی شود.

البته احمدی‌نژاد هم مدعی بود که این فهرست را به قوه‌قضاییه داده است.

مدعـی بـود که در جیبـش دارد! امـا این دولت رسما اعلام کرد که فهرست را فرستادیم. قوه‌قضاییه هم می‌تواند رسـما وارد بررسی شود و در صورتی‌که اطلاعات بیشتری می‌خواهد رسما به دولت اعلام کند و افکار عمومی را در جریان بگذارند. وظیفه قوه‌قضاییه این اسـت که سریع به ماجرا ورود کند. چون حامیان این افراد، به نوعی عمل می‌کنند که مسایل در کشور وارونه نشان داده شود.

به نظر شـما بین منتقدان فعلی دولت به‌ویژه در حوزه سیاسـت خارجی و این رانت‌خواران مثل همین ۵۰۰ نفر یا دیگرانی از این نوع، ارتباط شفاف و مشخصی هست؟

همیشـه بدانید کسـانی که منافع نامعقول دارند یک قانون نانوشـته دارند و آن اینکـه هر چه اوضاع بحرانی‌تر و آب گل‌آلودتر باشد به نفع آنهاست و برای گل‌آلود نگه‌داشتن اوضاع از هر ترفندی، از جمله پول خرج‌کردن وسیع ابایی ندارند چون هر آنچه به دست آورده‌اند همـه در اوضاع بحرانی و گل‌آلود و از طریق روابط ناسالم و رانت بوده است.

شما جایی با اشاره به رقم سرمایه بابک زنجانی گفته بودید اگر کسـی ماهـی صدمیلیون ذخیره کند، ۲۵۰۰سال طول می‌کشد که این پول را جمع کند.

آن موضوع مربوط به پرونده سه‌هزارمیلیاردتومان بود. بابک زنجانی باید سالی ۸۰۰میلیون‌تومان ذخیره می‌کرد تا بعد از ۲۵۰۰سال، اینقدر پول داشته باشد. با کدام فعالیت اقتصادی، با چه مکانیسـمی و با چه سرمایه‌ای در عرض چهارسال به این سرمایه افسانه‌ای رسـیده اسـت؟ اینها فقط می‌تواند نتیجه یکسـری رانت‌های وحشـتناک باشد. من در روزنامه‌ها خواندم که در پروژه «ایـران زمین» وقتی زمین‌های اطرافش شروع به نشست کرد املاک ساختمان‌های اطراف را خرید. کسی‌که به‌راحتی می‌تواند ۵۰۰میلیـارد تومـان خرج کند که کسـی شـکایت نکند، برای تخریب دولت نمی‌تواند بیشـتر خرج کند؟

شـما قبـلا گفتـه بودید دولت بایـد ماهانه بـا مردم، رودررو صحبـت کنـد و همه چیز را شفاف بگوید.

هنوز هـم همین اعتقـاد را دارم.

اما برخـی معتقدند الان دیگـر فرصـت ایـن حرف‌ها نیسـت. همـان دو، سـه ماه اول دولت فرصت داشـت و الان مردم دیگر انتظار ندارند که این حرف‌ها را بشنوند.

تشریح شفاف و روشن شرایط کشور در ابعاد مختلف جلو هر نوع سنگ‌اندازی و سیاه‌نمایی را خواهدگرفت و چه کسی بهتر از مردم کشور؛ اطلاع‌رسانی صریح و روشن به مردم، به زبانی ساده که مردم بفهمند شرایط چیسـت و چطور باید حرکت کنند. باید مسایل بیان شود. بدیهی است مردم حوصله شنیدن کلی‌گویی را ندارند. قصدم جسارت به آقای رییس‌جمهوری نیست، این تریبون خطابه نیست، اینجا بحث شفاف‌گفتن و اطلاعات درسـت به مردم رساندن و پیگیری منطقی کردن است. چه اشکالی دارد وقتی دو ماه قبل روحانی به معاون اول خود ماموریت داد که مفاسـد اقتصادی را مشـخص کند، نوع اقدامات و پیگیری‌ها هر ماه به مردم اطلاع داده می‌شـد. نمی‌گویم جزییات را اعلام کنند، ولی اطلاع‌رسـانی مرتب در مردم اعتماد ایجاد می‌کند که این دسـتورات، اقدامـات منظم دارد! این حق مردم است که بدانند چه اقدامی انجام شده است تا باور کنند. اما اگر قرار شود موضوع فراتر از نطق ادامه نیابد، معلوم است که تاثیرش در بین مردم صفر است.

مـن وقتی بحث نقد درعیـن حمایت را مطرح کردم منظورم دقیقا همین بود.

مردم ناامید نشـدند اما آن اعتمادی که توقع بود هم نکردند. مردمی که در این سـال‌ها از دولت فاصله گرفته‌اند با دو بار صحبت کلی متقاعد نمی‌شـوند. به چه علت باید آن بی‌اعتمادی از بین می‌رفت؟ در مورد یارانه‌هـا به‌نظر من خیلی بهتر می‌شـد موضوع را با مردم در میان می‌گذاشت، دولت دقیقا باید مشکلات اقتصادی خـود را مثل هر بزرگ خانواده‌ای با اعضای خانواده به زبانی‌که برای آنها کاملا قابل درک باشـد صادقانه و روشـن در میان می‌گذاشت، باید به مردم گفته می‌شد که اگر نیازمالی دارید ولی می‌توانید یارانه نگیریـد و تحمل کنید، به دولت کمک کنید و یارانه نگیرید.

بحثـی که مطـرح شـده این بـوده که بحث یارانه‌ها یک مساله حاکمیتی است نه صرفا دولتی. کل حاکمیت باید وارد شود.

بله، این مسـاله یک بعدی نیسـت. اگر حاکمیت در ایـن پـروژه یکدسـت عمل نکند مشـکل پیش می‌آیـد، چون ابعاد سیاسـی کار بیـش از اقتصادی آن شـده اسـت. ۷۵میلیون‌نفر را در یک شبه‌کمیته امداد خودخواسـته جمع کرده‌اند. اگر به ابعاد روابط اجتماعی و جامعه‌شناختی آن توجه نشود، مشکلات زیادی می‌تواند رخ دهد و فکر می‌کنم که خیلی‌ها از این مهم غفلت کرده‌اند که یارانه دادن یک بحث کاملا روشن و منطبق بر عدالت اجتماعی است، توزیع پول نفت نیسـت. غلط‌ترین حرفی که زده شده، متاسفانه این حرف اسـت. این را باید با دقت برای مردم تبیین کرد که درآمد حاصل از فروش نفت، یک سرمایه ملی اسـت و صرفا باید با آن برای کشـور سرمایه‌گذاری کرد و قابل توزیع نیسـت، این به‌عهده تمامی ارکان حاکمیت اسـت که با ملت با یک زبان و یک سیاست روشن سخن بگویند.

شـواهد و قرائن حاکی از این اسـت که موتور تخریب علیه دولت شروع شده و برخی اتفاقات ما را یاد دولت اصلاحات می‌اندازد.

امروز کارکردن به مراتب سخت‌تر از سال ۷۶ است. چون مخالفان اصلاحـات امروز بعد از فرصت طلایی ۱۰ سـاله که گیرشـان آمد و ثروت‌های افسـانه‌ای کـه اندوختنـد، حاضر بـه عقبگرد نیسـتند. وقتی گفته می‌شـود که بیـش از ۸۵درصـد واگذاری‌های شرکت‌های دولتی به بخش غیرخصوصی انجام شده، معنی دارد. یعنـی عده‌ای بدون اینکه زیر بلیط دولت باشـند یا در بخش خصوصی باشند بدون نظارت دقیق نزدیک به ۵۰درصد تولید ناخالص ملی ایـران را در دسـت دارند. بیش از ۶۰درصد از بانک‌هـا، بیمه‌هـا، ارتباطات، حمل‌ونقل عمومـی، واحدهای تولید فولاد، مس، آلومینیوم و... در اختیـار دولت نیسـت البته، در اختیار بخـش خصوصی هم نیست. سـازمان‌های نظارتی بر عملکـرد اینها کنترلـی ندارند. آقای طیب‌نیا، وزیر اقتصاد اعلام می‌کند که بیش از یک سوم نقدینگی کشور در اختیار بانک مرکزی نیسـت و کنترلی رویش نیست. این در اقتصاد معنی دارد.

> **تشریح شفاف و روشن شرایط کشور در ابعاد مختلف جلو هر نوع سنگ‌اندازی و سیاه‌نمایی را خواهدگرفت و چه کسی بهتر از مردم کشور؛ اطلاع‌رسانی صریح و روشن به مردم، به زبانی ساده که مردم بفهمند شرایط چیست و چطور باید حرکت کنند. باید مسایل بیان شود. بدیهی است مردم حوصله شنیدن کلی‌گویی را ندارند**

منظورتان تسـهیلاتی است که پرداخت شده و بازنگشته؟

منظورم نقدینگی اسـت که در اختیار دستگاه‌هایی است که نظارتی بر آنها نمی‌شود. اگر این را واقعا خوب تبییـن کنند، مردم می‌فهمند که این پول‌ها در اختیار چه کسانی می‌تواند باشد و چه اقداماتی می‌تواند با آن بکنـد. اما گفتن صرف اینکه ایـن رقم در کنترل بانک مرکزی نیسـت دردی دوا نمی‌کند چـون مردم عادی متوجه آثار آن نمی‌شـوند. این ۷۵۰میلیارددلاری که در این ۱۰سـال توزیع شده کجاسـت که آثار شگرف اقتصادی ناشـی از آن را کسی نمی‌تواند ببیند. ۱۰ فاز طرح پارس‌جنوبی ۹سـال طول کشـیده درحالی که هرکدام نزدیک به سـه‌میلیارد دلار بودجه نیاز داشت، جمعا ۳۰میلیارددلار. کشور سه سال است تحریم شدید شده، قبلا تحریم شدید نبود! با این میزان سرمایه‌گذاری ایران در این حوزه مشترک گازی از قطر جلو می‌افتاد! نه‌تنها سرمایه‌گذاری نشد، بلکه به منابعی بدل شده که مثل آوار روی سر اقتصاد کشور سنگینی می‌کند!

دولت اسـناد هزینه‌هایی کـه در دولت قبلی انجام شـده را در اختیار دارد. می‌تواند آن را اعلام عمومی کند؟

یکی از حرف‌های آقای روحانی همین بود که این ۷۵۰میلیون‌دلار پول نفت چه شده؟ چرا هزینه جاری بـالا رفـت و بودجه عمرانی نزدیک صفر اسـت. چرا کشوری که قرار بود طبق برنامه با سالی ۲۵میلیارددلار اداره شود با صدمیلیارددلار هم اداره نشد. چرا ارزش پول ملی کاهش یافت و تورم ۴۰درصد شـد. اگر این چراها به نوعی شکافته شود، مردم هم متوجه می‌شوند که از کجا ضربه می‌خورند.

دولت می‌تواند همه را بگوید؟

آن بخش‌هایـی که مربوط به حـوزه امنیت ملی می‌شـود، مشـخص اسـت نمی‌تواند مطرح شود اما بخش‌هایی کـه به سـوءمدیریت، رانـت و بالارفتن هزینه‌های جـاری دولت مربوط بوده یا ابعاد مختلف مسکن مهر و واگذاری‌ها را می‌تواند به صورت شفاف مطرح کند.

یا می‌توانند اطلاعاتش را در اختیار رسـانه‌ها قرار دهند.

دولت به‌عنوان امین مردم می‌تواند با مردم سخن بگوید. چرا به شکل شایعه منتشر شود؟ چون حامیان ایـن دولت فقط مـردم بودند. امروز کـه هیچ دولت خارجی‌ای با کشور ما رابطه استراتژیک ندارد. مردم‌اند که پشـتوانه‌اش هسـتند برای همین باید این فاصله را کم کرد. چگونه؟ قبولشـان کنیـد و آنها را به‌طور جدی به مشـارکت دعوت کنید. ایراد دیگر به دولت آقای روحانی این اسـت که از نهادهـای مدنی برای اجـرای مرحله دوم یارانه‌ها کمـک نگرفت! مگر قرار نیسـت این نهادها در جامعه فعال شـوند؟ اگر دولت به شکل‌گیری جدی آنها کمک نکند، چطور قرار است آنها نقش‌آفرین باشند؟

آقای روحانـی صحبتی کردند مبنـی بر ورود استادان دانشگاه به وادی حرف ونقد و گرفتن فضا از بیسوادان...

با عذرخواهی از خود ایشان به نظرم اینها بحث‌های خطابه‌ای است. استاد دانشگاه که تریبون ندارد. وقتی آقـای سیدحسـن‌خمینی نتوانسـت دو هفته قبل سخنرانی کند، یک اسـتاد عادی دانشگاه می‌تواند؟! انجمن‌های مختلفی در دانشـگاه‌ها وجود دارد، دولت رسما دعوتشان کند و حرف‌هایشان را بشنود نه اینکه به صورت عام بگوید حرف بزنید، با کدام تریبون؟ خود تریبون مطبوعات مگر چقدر اسـت؟ و چقدر انعکاس دارد؟ دولت باید انجمن‌های دانشـگاه‌ها و موسسات آموزشی را دعوت می‌کرد و نظراتشان را می‌گرفت نه به صورت نمایشی. چون دولت قبلی هم اقتصاددانان را یکی دو جلسه دعوت کردند اما نمایشی بود. مردم امروز فرق این مساله را به خوبی می‌فهمند. دولت باید احزاب و انجمن‌ها را جدی به‌کار بگیرد.

کمی از این غفلت از فضای داخلی شاید ناشی از این است که دولت روی سیاست خارجی متمرکز شده است.

این را قبول دارم. ولی همه بسیج نشده‌اند که در اختیار این وزارتخانه باشند.

شاید دولت نمی‌خواهد در چند جبهه خودش را درگیر کند.

به موازات وزارت خارجه، هرکـدام از وزارتخانه‌ها مسوولیت خاص خودشـان را دارند. من فکر می‌کنم چون بحث‌های دکتر ظریف توجه زیادی جلب کرده این تصـور را ایجاد کرده که فقط سیاسـت خارجی مطرح اسـت. مطبوعـات داخلـی و خارجی همه در حال پرداختـن به این موضوع هسـتند. اگر به‌اندازه سیاست خارجی در سیاسـت داخلی هم بحث شود و اطلاعـات داده شـود، بدیهی اسـت ذهن‌ها به این سمت هم معطوف می‌شود... . چرا آنچه بین ظریف و ۵+۱ می‌گذرد توجه مردم را جلب می‌کند؟ چون زیر ذره‌بین خبرنگاران است.

یـک علت مهم‌تر، انتظاری اسـت کـه در این دولت نسـبت به ایـن بخش وجـود دارد. به حوزه سیاسـت خارجی به‌عنوان حلال مشـکلات نگاه می‌شود.

بله، ولی غیر از اهمیت آن، شـفافیتی اسـت که توسـط رسـانه‌های مخالف و موافق اطلاع‌رسـانی و تحلیل می‌شود و توجه بسیاری را جلب کرده است.

و دست منتقدان را هم باز کرده؟

باشـد اشـکالی ندارد چون شفاف اسـت. اگر در اقتصاد و فرهنگ و... هم همین شـفافیت ایجاد شود، خواهید دیـد که مردم پیگیر خواهند شـد در اصل پیگیری مسایل سیاست خارجی از سوی مردم هم به علت اثراتی است که بر اقتصاد و زندگی مردم دارد. نوع اطلاعاتی که به مردم می‌دهید مهم‌ترین علتی است که می‌تواند جذابیت ایجاد کند.

ادامه از صفحه اول

دولت استثنایی

هرچند نباید از دشمن هراس به دل راه داد و بر پشتوانه ملی تکیه کرد اما دیپلماسی، محل تبدیل چالش به فرصت است. برخی رفتارهای ناصحیح در هشت‌سال دولت‌های نهم و دهم، باعث آسیب به وحدت ملی شد. حال دولت یازدهم کشور را با چالش‌های جدی مانند تورم بالا، رکود اقتصادی، بیکاری اقشار مختلف، سایه تحریم‌ها، وضعیت ویژه فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه موضوع چالش‌برانگیز یارانه نقدی تحویل گرفته است. مهم‌ترین سرمایه روحانی، مردمی است که با امید، او را برگزیدند و حمایت نخبگان، نیروهای سیاسـی کارآمد و نیروهای باسـابقه انقلاب از ایشـان اسـت. دولت روحانی، سـخت‌ترین شـرایط را در میان دولت‌های پیش از انقلاب داراست. کارشـکنی‌هایی که این روزها نیروهای جناح مقابل هم از آن ابراز نارضایتی می‌کنند نشان می‌دهد کـه کمک به آقای روحانی، امری پذیرفته‌شـده میان اکثر نیروهای کنشگر کشور است. تشکیل مجلسی همسو با این دغدغـه در دور آینده می‌تواند به این مهم یاری رسـاند اما تا آن‌موقع، جریان‌های سیاسی مقابل دولت از نگاه جناحی پرهیز کنند. باید دانسـت دولت فعلـی وارث چه وضعیتی اسـت اما در همین مدت کوتاه از عمـر دولت، اقداماتی در راستای بازگشت به مسیر برنامه‌ریزی و کارشناسی صورت داده و در دیپلماسی هسته‌ای نظم‌دادن به وضعیت اقتصادی، بهبود خدمات حوزه بهداشت و درمان، توسعه نفت و گاز و مسکن و شهرسازی با وزرای توانمند به‌دنبال رفع کاستی‌های هشت‌سال گذشته است. وضعیت دولت تدبیر و امید با هیچ دولتی پس از انقلاب قابل مقایسه نیست؛ دولتی که با حسـرت به ۷۰۰میلیـارددلار درآمد نفتی کم نتیجه هشت‌سال گذشته، می‌نگرد.

جای خالی ایران در «کن»

این کشور در تلاش است وارد اتحادیه اروپا شود و روی همه‌چیز از جمله سـینمایش که تعداد فیلمسازان بزرگ آن کمتر از انگشـتان یک دست هسـتند، سرمایه‌گذاری کرده. دقیقا برخلاف کشور ما که روی فیلمسازش هیچگاه سرمایه‌گذاری نشده و حضور در عرصه بین‌المللی، بی‌ارزش شمرده می‌شود.

بی‌کیفیت‌ترین فینال اروپا

گل تسـاوی هم که توسط راموس زده شد، از گرفتن یک ضربه ایسـتگاهی بود که در هر بازی معمولی نیز یکی از روش‌های مناسـب برای گل‌زدن اسـت. به‌طور کل با این نوع فوتبال نمی‌توان در تاریخ فوتبال دنیا ماندگار شد. چون تیم‌هایی ماندگار می‌شـوند که برای توسعه پایدار فوتبال زحمت کشیده باشند. شما به تیم‌های یونان ۲۰۰۴، پورتو ۲۰۰۴ و چلسی ۲۰۱۲ با روبرتو دی ماتئوی ایتالیایی نگاه کنید، آنها هیچ چیز به فوتبال اضافه نکردند و بعد از مدتی هم از خاطره هواداران فوتبال حذف شدند، درست برعکس بارسلونای چند سال اخیر با فوتبال ناب و استثنایی‌ای که ارایه می‌داد. تیم‌هایی مانند اتلتیکو شاید برای یک فصل جذاب باشـند، اما به‌طور قطع در دوره‌های بعد با مشکل مواجه خواهند شد، چون آموخته دیگری ندارند به فوتبال بدهند و به یکباره حذف می‌شوند. این تیم با سبک دفاعی توانست قهرمانی لالیگا را به دست بیاورد، اما هیچ کمکی به زیباشدن فوتبال نکرد. در فینال لیگ قهرمانان هم آنها با زدن زیر توپ می‌خواسـتند با این روش بازی کنند، اما رئال‌مادرید با سرمربی سرشناس و با تجربه خود این اجازه را به آنها نداد. فوتبال شـاگردان سیمئونه به فوتبال هیچ چیزی اضافه نکرده و بـه‌زودی هم از یادها خواهند رفت. اما در مقابل تیم‌ملی اسپانیا را نگاه کنید، این تیم قهرمان اروپا در سال ۲۰۰۸ می‌شود و بعد قهرمان جهان در سال ۲۰۱۰ و دوباره در سـال ۲۰۱۲ قهرمان اروپا می‌شود. این نشـان می‌دهد آنها به یک توسـعه پایدار رسیدند، ضمن اینکه تیم‌های باشگاه‌های آنها نیز سال‌های سال است که از بهترین‌های دنیا هستند. رئال‌مادرید هم همین گونه بود. آنها تنها با استفاده از تجربه بالای مربی خود و بازیکنانش توانسـتند بر حریف غلبه کنند، ولی از نظر نوع بازی هیچ تفاوتی با تیم حریف نداشـتند و تنها به خاطر عقب بودن حمله می‌کردند. نقش آنچلوتی، سرمربی رئال‌مادرید هم مانند نقش تمـام ایتالیایی‌هایی که قهرمان جهان و اروپا می‌شـوند، بود. آنها بدون اینکه خدمتی به فوتبال کنند، می‌آینـد جام‌ها را می‌گیرنـد و می‌رونـد و در این میان بیشترین ضربه را به فوتبال می‌زنند.

تک خبر

سخنرانی «حسین آبادیان» در دانشکده علوم‌اجتماعی دانشگاه‌تهران

● حسـین آبادیـان هـم به جمـع سـخنرانان نشسـت‌های «جامعه‌شناسی ایرانی و جامعه ایرانی» می‌پیوندد. امروز دانشـکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، میزبان این پژوهشـگر تاریخ و استاد دانشگاه است که در جلسه هشـتم این نشست‌ها، پیرامون کتاب «بنیان‌هـای فکری نظریه جامعه ایرانی» تقی آزادارمکی سـخنرانی خواهد کرد. به گزارش بخش رسـانه‌ای جهاد دانشگاهی این دانشـکده، پیش از این در هفت نشسـت گذشـته، محمد فاضلی، باقر ساروخانی، سیدحسـین نبوی، جعفر خورسندی، رحیم محمدی، غلامعباس توسلی، غلامرضا غفاری، محمد میرسندسی و هادی خانیکی، آثار آزادارمکی و ویژگی‌های جامعه ایرانی را موردتحلیل قرار داده‌اند. این جلسه روز دوشنبه پنجم خرداد از ساعت ۱۴ در اتاق جلسات جهاد دانشگاهی دانشکده علوم‌اجتماعی دانشـگاه تهران برگـزار خواهد شـد و حضور همه علاقه‌مندان در آن، آزاد است.